



همچنان که در يك ساختمان، صرفا سوار شدن مصالح بر روي هم و بالا رفتن بنا، مایه دوام و استحکام نیست و دهها نکته اصولي از آغاز تا پایان به کار گرفته می‌شود تا «بناي مستحکم» پدید آید، در «بناي يك خانواده» نیز، کار تنها با عقد ازدواج و تشکیل خانواده و آوردن فرزند تمام نمی‌شود.

زلزله‌ها و طوفان‌هاي فراواني در راه زندگي قرار می‌گیرد که اگر بناي خانواده، از شالوده محکم و چفت و بند استوار و نکات ایمن‌سازي برخوردار نباشد، به سرعت از هم می‌پاشد و متلاشي می‌شود.

نگاهي گذرا به برخي از این عوامل استحکام، می‌تواند مفید باشد:

الف - ازدواج عقلاني

انگیزه‌هاي ازدواج متفاوت است. برخي تنها براي هوسراني و کامجويي ازدواج می‌کنند و هوس، از مهم‌ترین انگیزه‌هاي آنان است. روشن است که چنین خانواده‌هايي بنیان محکمي پیدا نمی‌کنند. عقلانیت در ازدواج و محاسبه جوانب، پیامدها، مسئولیت‌ها، هزینه‌ها، حقوق و وظایف متقابل و به دوش گرفتن «بار زندگي» و با چشم و گوش باز و آگاهانه ازدواج کردن، می‌تواند عملي براي تداوم این بنیان باشد.

ب - شناخت پیش از ازدواج

وقتي بناست دو نفر يك عمر با یکدیگر زندگي مشترك داشته باشند، باید دیدگاه‌هاي مشترك، سلیقه‌هاي متناسب با هم و افکار و اخلاق و روحیاتي که به یکدیگر بخورد و حساسیت‌هاي خانوادگي از دو سوي، مورد توجه باشد.

مگر نه اینکه «ناسازگاري‌هاي اخلاقي» اغلب پس از ازدواج و برآورده نشدن برخي توقعات متقابل یا ناهنجاري‌هاي رفتاري زوجین یا فامیل‌هاي آنان بروز می‌کند؟ شناخت قبلي و پرس و جوهاي پیش از عقد و کسب آگاهی از ویژگی‌ها و مشاوره با دیگران، راهي براي پیشگیری از بروز اختلافات است. حتي شناخت طرف ازدواج به چهره، از نظر اسلام مورد توجه است، تا بعدا ادعا نشود که ندیدم و اگر دیده بودم، سراغش نمی‌رفتم!

در حدیث است که پیامبر اسلام، به کسی که زني را خواستگاري کرده بود، فرمود: «لَوْ تَطَرَّتْ إِلَيْهَا، فَاتَهُ أَحْرَى أَنْ يَدُومَ بَيْنَكُمَا؛ 1 کاش پیش از ازدواج، به او نگاه می‌کردی، چرا که این نگاه، مناسب‌تر است براي تداوم زندگي بین شما!»

ج - صداقت در برخورد

چه پیش از ازدواج و چه پس از آن، عدم صداقت در ابراز نظر یا ارائه وضعیت خویش از نظر مالي، شغلي، خانواده، جسم و ... مایه بروز اختلافات بعدي می‌شود. صداقت در برخورد اولیه و مسائل بعدي، مانع بروز کشمکش‌هايي می‌شود که گاهي تا مرز طلاق و جدایی هم پیش می‌رود. اگر سنّ واقعي دختر، یا میزان تحصیلات و درآمد پسر، یا وضع خانه و مسکن، سلامتي یا بیماری جسمي و روحی و ... واقعي طرح نشود و بعدا خلاف آن آشکار گردد، مشکل‌ساز خواهد بود. اینکه تدلیس و مخفي کردن عیوب مرد و زن یا نیرنگ حرام شمرده شده، براي پیشگیری از فروپاشي خانواده‌هاست.

مهریه، يك بدهي شرعي و قانوني بر عهده شوهر است. از این‌رو برخورد عاقلانه و متین و صادقانه با آن ضروري است. اینکه «کي داده، کي گرفته» گفته شود و سکه‌هايي به عدد نجومی، مهریه قرار گیرد و با بروز اولین نقطه اختلاف، کار به شکایت و دادگاه و زندان و ... کشیده شود، عوارض همان عدم صداقت است.

د - احترام به فامیل‌هاي طرف مقابل

چنین نیست که اگر دختر و پسری با هم ازدواج کردند، دیگر کاري به کار فامیل یکدیگر نداشته باشند و بی‌اعتنا به اصول معاشرت و مسئله صلّه رحم و دید و بازدیدهاي فامیلي و آداب و سنن خانوادگي و محلي و عرف اجتماعي، از همه بریده و سر در لاک خویش ببرند. ازدواج، مایه وصلت دو دودمان است و گسترش دایره خویشاوندان و افزایش روابط و توسعه پیوندها و بدون الفت خانوادگي، «زندگي شیرین» فراهم نمی‌آید.

بی‌اعتنایی به فامیل همسر، یا بی‌حرمتي و عیبجویي و ناسازگويي، بذر فتنه است که وقتي بارور شد، میوه تلخ آن، اختلافات و قهرها و جدایی‌ها و عذاب وجدان و شومي و تلخي زندگي است. باید بنا را بر حفظ احترام متقابل، تقویت روابط فامیلي، صمیمیت و محبت بین افراد دو دودمان، رفت و آمدهاي خانوادگي گذاشت و هر چه بیشتر رشته‌هاي الفت را قوي‌تر ساخت. اینها موجب استوار شدن چفت و بست روابطي است که با ازدواج پدید آمده است.

البته دخالت‌هاي بی‌جا در زندگي «زوجین جوان»، از سوي فامیل هر دو طرف، ناپسند و غلط است، ولي دلسوزي‌هاي صادقانه و اظهارنظرهاي دلسوزانه و از سر صدق و خیرخواهي، نه دو به هم زني و انتقام‌گيري و تلافی کردن و ... لازم و کارساز است و خلاء «کمبود تجربه» را در زندگي‌هاي مشترکي که تازه پا گرفته است، پر می‌کند.

دیدارهاي فامیلي را باید به رنگ «صلّه رحم» در آورد، تا ثواب و رضاي الهي را هم داشته باشد.

سختگیری‌های بی‌مورد نسبت به رفت و آمد همسر با فامیل خودش یا تحمیل داشتن رفت و آمد با بستگان شوهر، در شرایطی که علاقه‌ای در بین نیست، مسئله‌ساز است. باید با تدبیر و دقت و متانت مشکل را حل کرد، نه با قلدربازی یا مردسالاری قهرآمیز و تحکمی‌های یک‌جانبه. اگر مدت‌ها بگذرد و پدر و مادری علاقه‌مند باشند که به خانه پسر یا دخترشان بروند، ولی به دلیل راضی نبودن و مخالفت کردن عروس و داماد، این حسرت بر دل‌هایشان بماند، معلوم نیست که خورشید سعادت بر این خانواده بتابد و خدا از آنان راضی باشد. یا اگر زنی دوست داشته باشد که به دیدار والدین یا خواهرها و برادرها و بستگانش برود، اما شوهرش، بی‌دلیل و از روی یک‌دندگی و لجاحت، از این گونه رفت و آمدها جلوگیری کند، معلوم نیست آنان خیری از این زندگی ببینند. «صله رحم»، به تعبیر حضرت باقر(ع)، هم عمل‌های انسان را پاک و بالنده می‌سازد، هم مایه رشد و برکت مال می‌شود، هم حساب‌رسی خدا را در قیامت آسان می‌سازد، هم بلاها را از انسان و خانواده دور می‌سازد، هم مایه طول عمر می‌شود و اجل را به تأخیر می‌اندازد.²

در حدیثی حضرت رسول(ص) فرموده است:

«صلة الرحم تَعْمُرُ الدِّبَابَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ؛³

صله رحم، آبادی‌ها را آبادان و عمرها را طولانی می‌سازد.»

اگر یک طرف قطع رابطه کرد و به سنت اسلامی «صله رحم» عمل نکرد، طرف دیگر باید به این آیین الفت‌بخش پایبند باشد، تا یخ‌های بی‌مهتری آب شود و سردی‌ها به گرمی بگراید.

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ انْ قَطُّوْكُمْ؛⁴ با خویشاوندانتان پیوند داشته باشید و صله رحم کنید، هر چند آنان با شما قطع رابطه کنند.»

برای رسیدن به این نقطه آرمانی، گذشت و بزرگواری لازم است و به دل نگرفتن رفتار نامناسب دیگران.

یک نمونه

سیره پیشوایان، همیشه الگو بوده است. در این زمینه هم نمونه‌ای از رفتار کریمانه و الفت‌آفرین امام صادق(ع) با یکی از بستگان می‌تواند سرمشق ما باشد. بین عبدالله بن‌حسن و امام صادق(ع) بر سر مسئله‌ای گفتگو و بحث پیش آمد، تا آنجا که صدای آن دو بلند شد. مردم با شنیدن سر و صدای آنان گرد آمدند. مسئله به نحوی فیصله یافت و آن شب از هم جدا شدند. صفوان بن‌مهرا (که راوی حدیث است) می‌گوید: صبح برای کاری از خانه بیرون آمدم، امام صادق(ع) را دیدم که در خانه عبدالله بن‌حسن است، عبدالله بن‌حسن به او می‌گفت: یا ابا عبدالله، چه عاملی سبب شده صبح زود به اینجا آمده‌اید؟ حضرت فرمود: دیشب در تلاوت قرآن به آیه‌ای برخوردیم که مرا به فکر انداخت و ناراحتم کرد. گفت: کدام آیه؟ فرمود: این آیه شریفه که «أَنَانُ كَهْ بِأَنْجَحَ خَدَاوَنَدُ فَرَمُوْدَهْ اسْتِ تَا وَصَلْ شُوْد، پِیُوْنَد بَرَقَرَار مِی‌کُنْد (صله رحم) و از پروردگارش حساب سخت قیامت بیم دارند؛ وَ الَّذِیْنَ یَصِلُوْنَ مَا أَمَرَ اللّٰهُ بِهٖ أَنْ یُوصَلَ وَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ یَخَافُوْنَ سُوْءَ الْحِسَابِ.»⁵ آنگاه، هر دو دست در گردن هم انداخته و گریستند. عبدالله بن‌حسن گفت: راست می‌گویی یا ابا عبدالله! گویا من تا کنون این آیه را نخوانده بودم.⁶

رفتاری چنین بزرگوارانه، آن هم از سوی شخصیتی چون حضرت صادق(ع)، درسی بزرگ برای خانواده‌های شیعی و پیروان مکتب تربیتی و اخلاقی خاندان رسالت است. انسان هر چه هم ثروت و فرزند داشته باشد، بی‌نیاز از خویشان و بستگان نیست. آنان بال و پر و بازو و پنجه انسانند، حمایت و همدلی آنان در مشکلات و شداید و مصیبت‌ها، کمکی ارجمند و مهم است. آنکه با خویشاوندانش قطع رابطه می‌کند، گویا یکی از دو دست خود را بسته یا بریده است. مگر نه اینکه کارآیی یک دست، بسی اندک است؟

هنر در گسستن از خویشان نیست، بلکه در پیوستن و تحکیم رابطه‌هاست و این، ایثار و گذشت و کرامت و روح بزرگ می‌طلبد. آنکه رابطه‌ها را می‌گسلد، منابع خیر فراوانی را به روی خود می‌بندد. «الفت خانوادگی»، موهبت و نعمتی است که باید پاسش داشت و در تقویتش کوشید.

پاورقیها:

1 - وسائل‌الشیعه، ج14، ص61.

2 - بحارالانوار، ج71، ص100.

3 - همان، ص94.

4 - همان، ص92.

5 - رعد، آیه 21.

6 - بحارالانوار، ج71، ص98.

جواد محدثی